



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

عایشه زارعی^۱، اسماء ملاحی^۲، فاطمه زارعی^۳، یاسمن وزیرزاده^۴، خدیجه زارعی^۵

۱- کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا بندرعباس

۲- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا بندرعباس

۳- کارشناسی زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر بوشهر

۴- کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر بوشهر

۵- کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، پردیس بنت الهدی صدر بوشهر

ayeshzareei@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش انجام شد. جامعه شناسان معمولاً آموزش و پرورش را با «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی شدن» مترادف می‌دانند. به عقیده آن‌ها، آموزش و پرورش سازوکار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است در این مفهوم، آموزش و پرورش، فرایندی است که به واسطه آن، مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید منتقل می‌شود. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مطالعه مجموعه عوامل اجتماعی است که همه ساختارها و فرایندهای آموزشی را چه در درون و چه بین جوامع تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مطالعه مجموعه عوامل اجتماعی است که همه ساختارها و فرایندهای آموزشی را چه در درون و چه بین جوامع تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه شناسان تأکید می‌کنند که آموزش و پرورش یکی از راه‌های اجتماعی شدن کودک است و مدرسه در کنار سایر عوامل، از قبیل خانواده، اجتماع و گروه‌های همبازی به این روند کمک می‌کند. نتایج نشان داد که رابطه جامعه و آموزش و پرورش یک‌طرفه نیست بلکه جامعه برای تداوم حیات خود به مشابهنه افکار، ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای خود نیاز دارد که آموزش و پرورش باید آن را تأمین کند به عبارت دیگر، آموزش و پرورش از ابتدا شباهت‌های اساسی و همانندی‌های موردنیاز زندگی جمعی را به وجود می‌آورد و در افراد تشبیت می‌کند.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی، اجتماعی شدن، دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود «سازوکار» یا وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با «جامعه‌پذیری» است؛ یعنی فرایندی که افراد از طریق آن به یادگیری نقش‌ها قواعد روابط و به‌طور کلی فرهنگ جامعه خود می‌پردازند. به معنی اخص، فرایندی است که افراد به‌واسطه آن در وضعیت‌های اجتماعی سازمان‌یافته در معرض آموزش منظم دانش‌ها مهارت‌ها رفتارها و گرایش‌های معین قرار می‌گیرند در هر جامعه این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن شکل می‌گیرد.

در بررسی جامعه‌شناختی آموزش و پرورش را می‌توان هم به‌عنوان یک فرایند تعریف کرد و هم به‌عنوان یک نهاد اجتماعی به‌عنوان فرایند هر زمان که شاهد تغییری در رفتار جسمانی یا ذهن فرد باشیم، آموزش و پرورش حاصل شده است. در این معنا مثلاً تلویزیون دارای تأثیر آموزشی است. از سوی دیگر آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اجتماعی ترکیبی از مدرسه و افرادی است که به طرق متفاوت در چارچوب مدرسه با یکدیگر درکنش و واکنش‌اند. بدین ترتیب بخشی از فرایند آموزش و پرورش در چارچوب نهاد اجتماعی مدرسه صورت می‌گیرد ولی بخش دیگر خارج از مدرسه و در چارچوب جامعه کل تحقق می‌یابد (شارع پور، ۱۳۸۶).

بر همین اساس، جامعه‌شناسان معمولاً آموزش و پرورش را با «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی شدن» مترادف می‌دانند. به عقیده آن‌ها، آموزش و پرورش سازوکار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است در این مفهوم، آموزش و پرورش، فرایندی است که به‌واسطه آن، مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، دانش‌ها و مهارت‌های جامعه به نسل جدید منتقل می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۶).

یان رابرتسون «آموزش» را تقریباً مترادف با «جامعه‌پذیری» می‌داند زیرا هر دو واژه در بردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروهی به شخص یا گروه دیگر است. به عقیده وی «آموزش عبارت است از انتقال منظم و سازمان‌یافته دانش مهارت‌ها و ارزش‌ها» این تعریف با جایگاهی که آموزش و پرورش در جوامع فعلی دارد، مرتبط است آموزش و پرورش در جوامع نوین به فعالیتی رسمی و صنعتی تبدیل شده است. در این جوامع، فعالیت‌های آموزشی سازمان‌یافته و برای برخی افراد در سنین خاص اجباری هستند افرادی نیز به‌عنوان معلم و متخصص آموزش تربیت شده‌اند و محل‌ها و تجهیزاتی برای آموزش و فراگیری دانش آن مهیا شده است (رابرتسون، ۱۳۷۴).

اهمیت پژوهش

از آنجاکه مقوله آموزش و پرورش اصولاً یک موضوع اجتماعی تلقی می‌شود لزوم مطالعات دقیق در زمینه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و در جهت متناسب‌سازی فعالیت‌های افراد با نیازهای جامعه بیشتر احساس می‌شود این مقاله سعی داریم آموزش و پرورش را از دیدگاه جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار دهد و همچنین روابط میان آموزش و پرورش و جامعه را بررسی نماییم.

یک معلم به‌عنوان عنصر اصلی تعلیم و تربیت باید اطلاعاتی در مورد جامعه‌شناسی آموزش و پرورش اقتصاد آموزش پرورش، آموزش و پرورش تطبیقی مطالعه در مورد سایر نظام‌های آموزش و پرورش مانند آموزش و پرورش ژاپن و تاریخ آموزش و پرورش داشته باشد.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مطالعه مجموعه عوامل اجتماعی است که همه ساختارها و فرایندهای آموزشی را چه در درون و چه بین جوامع تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌عنوان زیر حوزه‌ای متمایز در دو رشته جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش به‌عنوان جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت یا مبانی اجتماعی آموزش نیز شناخته می‌شود. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در تمامی ادوار تاریخ مورد توجه مریبان و حاکمان بوده است. در واقع در تمام طول تاریخ از زمان ظهور و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیدایش تمدن بزرگسالان و مریبان سعی داشته‌اند که کودکان را متناسب با نیازهای جامعه زمان خود تربیت نمایند. در واقع تعلیم و تربیت همواره به‌گونه‌ای بوده است که کودک در بزرگسالی بتواند به‌خوبی برای عضویت در جامعه خود آماده شود. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یکرشته حائز اهمیت در دنیای امروز به شمار می‌رود زیرا آموزش و پرورش کودکان بایستی کاملاً با جامعه و فرهنگ محل زندگی آن‌ها هماهنگ باشد؛ بنابراین کودکان باید در گروه‌های اجتماعی آموزش ببینند تا در طول کنش‌ها و واکنش‌های متقابل با عناصر موجود در محیط به شخصیت قوام‌یافته‌ای دست پیدا کنند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به چگونگی شکل دادن تجربیات افراد و نحوه تعامل آن‌ها با مدرسه اشاره دارد. به‌طور خاص، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش راه‌هایی را بررسی می‌کند که تجربیات افراد بر دستاوردها و نتایج آموزشی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این حوزه همچنین شامل موضوعات سیاست آموزشی است که از بافت اجتماعی مدارس ناشی می‌شود. وقتی جامعه‌شناسان از آموزش صحبت می‌کنند عموماً از معنای خاص‌تری استفاده می‌کنند فرایند عمدی، خارج از خانواده که به‌وسیله آن جوامع دانش ارزش‌ها و هنجارها را برای آماده‌سازی جوانان برای نقش‌های بزرگسالان آماده‌سازی می‌کنند.

تبیین مفاهیم

آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت در معنای کلی دلالت دارد بر پرورش تعلیم فکری و اخلاقی، رشد شخصیت و توانایی‌های ذهنی کودک نوجوان و جوان به‌خصوص از راه تأمین آموزش منظم (گولد، کولب ۱۳۸۴). به‌عبارت‌دیگر، آموزش و پرورش عبارت است از جریانی نظام‌مند و هدف‌دار به‌منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب (حسینی نسب و علی اقدم، ۱۳۷۵) «در معنای محدودتر، آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق می‌شود که به‌صورت قراردادی و به شیوه‌های منظم منطقی و از روی برنامه ارائه شود این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل متفاوت آن ادامه می‌یابد» (علاقه بند، ۱۳۹۳).

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش:

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود. در تعریفی دیگر، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از تحلیل علمی الگوها و فرایندهای اجتماعی دخیل در نظام آموزش و پرورش (منادی، ۱۳۹۲). منظور از نظام آموزش و پرورش الگوی کلی نهادها و سازمان‌های رسمی جامعه است که به‌واسطه آن، معارف و میراث فرهنگی منتقل و پرورش و رشد اجتماعی و شخصی افراد جامعه میسر می‌شود (علاقه بند، ۱۳۹۳).

ساختار اجتماعی به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می‌گویند که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گردآمده‌اند برقرار باشد در واقع ساختار اجتماعی مجموعه روابط پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات متفاوت جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه بر اساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابند (اسفندیاری، ۱۳۸۱).

تعریف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

در تعریف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌توان گفت این شاخه از علوم از طریق نظریه‌ها روش‌ها و فنون جامعه‌شناسی، روابط میان آموزش و پرورش و جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد به عقیده بروک آور و اریکسون جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را می‌توان چنین تعریف نمود تحلیل علمی الگوها و فراگردهای اجتماعی که در نظام آموزش و پرورش دخیل هستند را جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌گویند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در صورتی که تعریف وسیع تری از این مفهوم را در نظر داشته باشیم می‌توانیم جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را فراتر از مطالعه روابط نهاد آموزش و پرورش و سازمان‌ها در نظر بگیریم در واقع مطالعه در مورد جوانب تربیتی در تمام نهادهای اجتماعی را می‌توان جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دانست. اما هدف از مطالعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش چیست؟ در حالت کلی می‌توان هدف اصلی از این شاخه از جامعه‌شناسی را مطالعه موارد زیر دانست:

- مطالعه پدیده آموزش و پرورش

- چگونگی سازمان پذیری و کارکردهای آن در جامعه

آموزش و پرورش را می‌توان به‌عنوان پدیده‌ای معرفی کرد که در تمامی نهادها و ارکان اجتماع نمود پیدا می‌کند. این پدیده از طریق تأثیرات متقابل در تمامی قسمت‌های نظام اجتماعی نفوذ پیدا کند؛ بنابراین پدیده آموزش و پرورش موضوعی نیست که تنها منحصر به برنامه‌های نظام آموزش و پرورش در یک جامعه باشد.

هدف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که آموزش و پرورش یکی از راه‌های اجتماعی شدن کودک است و مدرسه در کنار سایر عوامل، از قبیل خانواده، اجتماع و گروه‌های همبازی به این روند کمک می‌کند از این دیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از انتقال فرهنگ و عناصر ویژه آن به نسل جدید از این‌رو هدف آن مطالعه، پدیده آموزش و پرورش نحوه تشکیل و سازمان پذیری و کارکردهای عمومی آن در زندگی افراد است.

مطالعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در سه زمینه مهم تمرکز یافته است:

- نظام‌های بزرگ آموزش و پرورش؛

- نهادهای آموزشی خاص؛

- تعامل در محیط‌های آموزشی (علاقه بند ۱۳۹۳)

کارکردهای آموزش و پرورش

یکی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش و پرورش انتقال فرهنگ است. مفهوم فرهنگ شامل ابزارها، علوم، هنرها، اعتقادات، آداب و رسوم و همچنین سازمان‌های اجتماعی یک جامعه می‌شود. انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و آموزش اصول فرهنگی جامعه به نسل جدید از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا فرهنگ امری اکتسابی است و نمی‌توان به‌صورت ذاتی آن را در وجود افراد معلم کارآمد جامعه مشاهده نمود؛ بنابراین کمی غفلت در امر آموزش و پرورش می‌تواند میراث فرهنگی چندین ساله یک جامعه را از بین ببرد. (علاقه بند ۱۳۹۳)

به همین جهت حضور معلم کارآمد و آموزش و پرورش پویا می‌توانند در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی یک جامعه، تأثیر بسیار زیادی داشته باشند در صورتی که نوآوری‌ها و تحولات جامعه افزایش پیدا کند و آموزش اصول و اعتقادات فرهنگی به نحو درستی صورت نگرفته باشد، به‌سرعت شاهد تغییر اجتماع خواهیم بود.

از دیگر کارکردهای آموزش و پرورش می‌توان به جامعه‌پذیری اشاره داشت. مفهوم اصلی جامعه‌پذیری این است که یک انسان به‌صورت یک شخص در اجتماع زاده نمی‌شود بلکه به‌واسطه آموزش‌های اجتماعی تبدیل به یک شخص می‌شود. کودکی که در یک اجتماع متولد می‌شود یک ارگانسیم است که بر اثر آموزش و پرورش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را می‌آموزد. این کودک با دریافت الگوهای رفتاری و تأثیرپذیری از بزرگسالان به‌عنوان یک شخص می‌تواند وارد نقش‌های اجتماعی و فعالیت‌های جمعی شود. (علاقه بند، ۱۳۹۳)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آشنایی با اصول جامعه‌شناسی شاخه آموزش و پرورش

در این مقاله چهار مورد از اصول جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را بیان خواهیم نمود. (علاقه بند، ۱۳۹۳)

۱. اولین اصل از اصول جامعه‌شناسی آموزش و پرورش این است که دانش و معرفت با استفاده از روش‌شناسی علمی کسب می‌شود؛ بنابراین به‌منظور به دست آوردن دانش و معرفت باید روش‌های عینی تحقیق را مورد استفاده قرار داد.
۲. تمامی مهارت‌ها و دانشی که آموزش داده می‌شود و کسب می‌گردد بایستی با فراگردهای آموزشی و پرورشی جامعه متمرکز باشد. در این رشته در کنار آموزش و پرورش مدرسه‌ای جامعه‌پذیری در موقعیت‌های مختلف و همچنین فرهنگ پذیری، کانون توجه مطالعات است.
۳. اصل سوم در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نوع واحدهای جمعیتی مناسب برای تحقیق و مطالعه است. منظور از واحدهای جمعیتی مناسب افراد و گروه‌هایی هستند که بر فراگرد آموزش و پرورش تأثیرگذار هستند. این طیف از افراد شامل این موارد می‌شوند دانش آموزان، مدیران، خانواده معلمان و مربیان انجمن‌ها و شوراهای مدارس، صاحب‌نظران در زمینه آموزش و پرورش.
۴. چهارمین اصل، بررسی ویژگی‌های ارتباطات اجتماعی در میان افراد و گروه‌هایی است که به‌عنوان واحد جمعیتی انتخاب شده‌اند؛ مانند ارتباطاتی که در میان گروه‌های همسالان شکل می‌گیرد و یا روابط اجتماعی و کشمکش‌های میان معلمان و مدیران در نهاد مدرسه می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و نقش تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت هر چیزی است که شیوه زندگی یک جامعه یا گروهی از مردم را در برمی‌گیرد. نوزاد انسان به‌طور باورنکردنی پذیرای تجربه است یعنی او قادر به ایجاد طیف گسترده‌ای از باورها در مورد دنیای اطراف، خود مهارت در دست‌کاری آن و چگونگی دست‌کاری آن است هر نوزادی از بدو تولد تا زمانی طولانی به جهت رشد شخصیت انسانی خود کاملاً به دیگران وابسته است. (علاقه بند ۱۳۹۳) بنابراین کودک با استفاده از تعلیم و تربیت به‌عنوان فرآیندی که از طریق آن می‌تواند ظرفیت‌های فیزیکی، اجتماعی و اخلاقی مطلوب هر جامعه را کسب نماید، رشد کرده و می‌تواند استعداد خود را شکوفا نماید جامعه‌شناسی به دنبال آن آموزش درست اغلب می‌تواند به‌عنوان یک تلاش اساسی به پرورش افراد جامعه کمک کرده تا به آرزوهای خود دست‌یافته و همچنین بر ناتوانی‌ها غلبه کرده و در راستای دستیابی به برابری بیشتر، کسب ثروت و قرارگیری در موقعیت اجتماعی مناسب اقدام نمایند.

به‌طور خلاصه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌عنوان مطالعه روابط بین آموزش و پرورش و فرآیندهای جامعه‌شناختی درگیر در یک موسسه آموزشی تعریف می‌شود؛ بنابراین جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت بر جنبه‌های جامعه‌شناختی آموزش، پدیده‌های آموزشی و نهادها تأکید دارد در جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت مشکلاتی که معلمان و به‌طور کل دست‌اندرکاران آموزشی و حتی دانش آموزان با آن مواجه می‌شوند اساساً مشکلاتی جامعه‌شناسی به‌حساب آمده و با این نگاه به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود در صورتی که خارج از جامعه‌شناسی مذکور این موارد به‌عنوان مشکلات آموزشی محسوب شده و از این باب به دنبال ارائه راه‌حل برای آن‌ها می‌باشند. (علاقه بند، ۱۳۹۳).

ریشه‌های تاریخی و دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسی سیستماتیک آموزش و پرورش با کار امیل دورکیم در سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۱۷ و با عنوان آموزش اخلاقی به‌عنوان مبنایی برای همبستگی ارگانیک آغاز و با مطالعات ماکس وبر در سال‌های ۱۸۶۴ تا ۱۹۲۰ در مورد باسوادان چینی به‌عنوان ابزار کنترل سیاسی ادامه یافت. با این حال پس از جنگ جهانی دوم جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مجدداً در سراسر جهان و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

البته تحت موضوعاتی همچون کارکردگرایی تکنولوژیک در ایالات متحده اصلاحات برابری طلبانه فرصت‌ها در اروپا و نظریه سرمایه انسانی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفت. (علاقه بند، ۱۳۹۳)

کارکردگرایان ساختاری در جامعه‌شناسی آموزش

کارکردگرایان ساختاری معتقدند که جامعه به سمت تعادل اجتماعی و نظم اجتماعی گرایش دارد آن‌ها جامعه را مانند بدن انسان می‌بینند که در آن نهادهایی مانند آموزش اهمیت بسیاری داشته و سبب می‌گردند تا اندام‌های بدن (جامعه) سالم نگه‌داشته شوند و به‌خوبی رشد نماید کارکردگرایان ساختاری بر این باورند که نقش مؤسسات آموزشی ایجاد اجماع مشترک بین اعضای جدید (یعنی کودکان) است. دورکیم معتقد است: (علاقه بند، ۱۳۹۳)

مؤسسات آموزشی ارزش‌های کلی اخلاقی را از طریق برنامه درسی و آموزشی پنهان یا حتی آشکار تنظیم می‌کنند. مؤسسات همچنین یادگیرندگان را برای بازار آینده مرتب و دسته‌بندی می‌کنند در واقع می‌توان گفت که به این طریق دانش آموزان درجه‌بندی شده تا هر دانش‌آموز متناسب با درجه تعیینی، برای پذیرش مسئولیت خود در آینده محیا گردد. افراد موفق برای مشاغل بالاتر و دانش آموزان با درجات پایین‌تر برای مشاغل با اهمیت کمتر آموزش دیده و بدین گونه رفتار اعضای جامعه تنظیم می‌شود تا هر فرد نقش خود را در جامعه با توجه به موقعیت اجتماعی خود بپذیرد؛ بنابراین ساختار کارکردگرایی با تحرک اجتماعی مخالف بوده و در تضاد است.

اجتماعی شدن و نقش تعلیم از منظر کارکردگرایان ساختاری

سلامت اجتماعی به معنای نظم اجتماعی بوده و زمانی تضمین می‌شود که تقریباً همه افراد یک جامعه ارزش‌های اخلاقی عمومی آن جامعه را بپذیرند از این رو کارکردگرایان ساختاری بر این باورند که هدف نهادهای کلیدی همچون آموزش اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان است. (علاقه بند، ۱۳۹۳)

درواقع اجتماعی شدن فرآیند است که:

به‌وسیله آن نسل جدید دانش، نگرش و ارزش‌هایی که به آن نیاز دارد را می‌آموزد.

پر کردن نقش‌ها در جامعه

آموزش و پرورش باید عملکرد دیگری نیز داشته باشد با خالی شدن مشاغل مختلف هر شغل باید با استفاده افراد متناسب سریعاً پر شود بنابراین هدف دیگر آموزش و پرورش مرتب‌سازی و رتبه‌بندی افراد برای استخدام در بازار کار است به نحوی که افرادی که در درجه‌بندی‌های گفته‌شده سطح بالاتری داشته‌اند عهده‌دار مشاغل با درآمد و انعام بالاتر شده و نیز کسانی که آموزش‌های سطح پایین‌تری دیده‌اند متناسب با سطح مربوطه در مشاغل با درآمد کمتر قرار گیرند. (علاقه بند، ۱۳۹۳).

لذا هدف دیگر، آموزش مرتب‌سازی بازار کار است.

جامعه‌شناسی آموزش و باز تولید اجتماعی

دیدگاه جامعه‌شناسی نظریه تعارض برخلاف دیدگاه کارکردگرایی ساختاری در آموزش و پرورش بر این باور است که جامعه مملو از گروه‌های اجتماعی مختلف و در تضاد با یکدیگر با آرمان‌های متفاوت است. دسترسی متفاوت به فرصت‌های زندگی عدم دسترسی همگان به سطح معادلی از امکانات، باورهای مختلف سبب می‌گردد تا بسیاری از افراد آن‌گونه که باید ظهور و بروز نکنند. (علاقه بند، ۱۳۹۳)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روابط در جامعه در این دیدگاه عمدتاً مبتنی بر استثمار، ظلم سلطه و انقیاد است. بسیاری از معلمان تصور می‌کنند که بخش عمده‌ای از دانش آموزان با شرایط زنگی پایین‌تر از سطح متوسط در حال گذراندن زمان خود می‌باشند در صورتی که برای برخی دیگر این‌گونه نیست برخی از کودکان پس از مدرسه به والدین خود کمک کرده و مسئولیت‌های خانگی قابل توجهی را بر عهده‌دارند برخی تک والدین بوده و از این قبیل مسائل که سبب می‌گردد انجام دقیق و کلیه تکالیف محوله به این دانش آموزان دشوار باشد لذا عملکرد تحصیلی آن‌ها کاهش یافته و آن‌گونه که باید نمی‌توانند برای تحصیل و کسب آموزش زمان بگذارند. تحقیقات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد درجایی که معلمان رسمیت مطالعه منظم را ملایم کرده و روش‌های کاری ترجیحی دانش‌آموز را در برنامه درسی ادغام کرده‌اند دانش آموزان نقاط قوتی را نشان می‌دهند که قبلاً از آن‌ها آگاه نبوده‌اند. باین‌حال تعداد کمی از معلمان از برنامه درسی سنتی منحرف شده و برنامه درسی که توسط دولت و صاحبان قدرت تعیین شده است را کنند. این نوع از آموزش و پرورش برای بسیاری از دانش آموزان که آن را بی‌معنی می‌دانند، چندان معنی‌دار نیست.

ویلسون و وین بیان می‌کنند که:

دانش آموزان متوجه می‌شوند که ارتباط مستقیمی بین موضوعاتی که انجام می‌دهند و آینده قابل تصورشان در بازار کار وجود ندارد. ارزش‌های ضد مدرسه‌ای که این کودکان نشان می‌دهند اغلب از آگاهی آن‌ها نسبت به علایق واقعی خود ناشی می‌شود. (علاقه بند، ۱۳۹۳).

سارجنت معتقد است که:

برای دانش آموزان طبقه کارگر، تلاش برای موفقیت و جذب ارزش‌های طبقه متوسط، مدرسه پذیرش موقعیت اجتماعی فرودستان به همان اندازه است که گویی مصمم به شکست هستند. فیتز جرال د بیان می‌کند که بدون توجه به توانایی تحصیلی یا تمایل آن‌ها به یادگیری دانش آموزان خانواده‌های فقیر شانس نسبتاً کمی برای کسب موفقیت دارند. او در ادامه گوید که برای کودکان متوسط و به‌ویژه طبقات بالا حفظ موقعیت برتر خود در جامعه به تلاش کمی نیاز دارد. دولت فدرال به مدارس خصوصی مستقل کمک مالی می‌کند که این مهم ثروتمندان را قادر می‌سازد تا با پرداخت هزینه آموزش خوبی کسب کنند با این آموزش خوب، بچه‌های ثروتمند بهتر عمل می‌کنند دستاوردهای بالاتری کسب می‌کنند و پاداش‌های بیشتری را به دست می‌آورند به این ترتیب استمرار امتیاز و ثروت برای نخبگان به صورت مستمر امکان‌پذیر می‌شود. (علاقه بند، ۱۳۹۳)

نظریه پردازان تعارض معتقدند که این بازتولید اجتماعی همچنان در حال اتفاق افتادن است زیرا کل سیستم آموزشی با ایدئولوژی ارائه شده توسط گروهی مستتر گردیده است.

افسانه آموزش و پرورش در دسترس همگان

درواقع آن‌ها این افسانه را که آموزش در دسترس همگان است خود تداوم بخشیده تا ابزاری برای دستیابی به ثروت و موقعیت فراهم نمایند. طبق افسانه‌ی گفته شده هرکسی که نتواند به این هدف دست یابد تنها خود را مقصر می‌پندارد. رایت معتقد است که تأثیر این اسطوره این است که یعنی گروه متوسط جامعه با دیدن مشکلات شخصیشان بخشی از مسائل اجتماعی عمده را رها می‌نمایند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این دوگانگی به قدری موفقیت‌آمیز است که بسیاری از والدین سال‌ها مشاغل وحشتناک را تحمل کنند و معتقدند که این فداکاری به فرزندانشان امکان می‌دهد تا فرصت‌هایی را در زندگی داشته باشند که خودشان نداشتند. این افراد فقیر و محروم قربانی ترفند اعتماد اجتماعی می‌باشند. آن‌ها تشویق شده‌اند که باور کنند که هدف اصلی مدرسه تقویت برابری است، درحالی‌که در واقعیت مدارس قصد جامعه را برای حفظ توزیع نابرابر وضعیت و قدرت قبلی منعکس می‌کنند. دیدگاه مذکور در بین برخی به‌عنوان یک دیدگاه بدبینانه و دیدگاهی برای فرار از پاسخ‌گویی، شخص حداقل به خودش برای کم‌کاری‌هایی که کرده است معرفی می‌گردد. در هر صورت می‌توان این دیدگاه را به‌عنوان یک فرضیه که شاید بخشی از یک واقعیت باشد در نظر گرفت. (علاقه بند ۱۳۹۳)

جامعه‌شناسی از منظر بورديو و سرمایه فرهنگی در آموزش و پرورش

این نظریه بازتولید اجتماعی به‌طور قابل‌توجهی توسط پیر بورديو تئوریزه شده است. با این حال بورديو به‌عنوان یک نظریه‌پرداز اجتماعی همواره به دوگانگی بین امر عینی و ذهنی یا به بیان دیگر بین ساختار و عامل توجه داشته است. بورديو چارچوب نظری خود را حول مفاهیم مهم عادت میدان و سرمایه فرهنگی بنا کرده است. با این حال عادت نیز به‌عنوان مثال با موقعیت یک فرد در زمینه‌های مختلف خانواده و تجربیات روزمره او شکل می‌گیرد؛ بنابراین موقعیت طبقاتی فرد شانس زندگی فرد را تعیین نمی‌کند اگرچه نقش مهمی را در کنار سایر عوامل ایفا می‌کند. بورديو از ایده سرمایه فرهنگی برای کشف تفاوت در نتایج برای دانش‌آموزان طبقات مختلف در سیستم آموزشی فرانسه استفاده کرد.

او تنش بین بازتولید محافظه‌کارانه و تولید نوآورانه دانش و تجربه را بررسی کرد. او دریافت که این تنش با توجه به اینکه کدام گذشته و حال فرهنگی خاص باید در مدارس حفظ و بازتولید شود تشدید می‌شود. بورديو استدلال می‌کند که فرهنگ گروه‌های مسلط و در نتیجه سرمایه فرهنگی آن‌هاست که در مدارس تجسم یافته است و این به بازتولید اجتماعی می‌انجامد.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی گروه مسلط در قالب اعمال و ارتباط با فرهنگ توسط مدرسه به‌عنوان سرمایه طبیعی و تنها نوع مناسب سرمایه فرهنگی فرض می‌شود و لذا مشروعیت می‌یابد این سازمان به‌طور یکسان از همه دانشجویانش می‌خواهد که آنچه را که نمی‌دهد داشته باشند این سرمایه فرهنگی مشروع به دانش‌آموزانی که دارای آن هستند این امکان را می‌دهد تا سرمایه آموزشی را در قالب مدارک تحصیلی به دست آورند، بنابراین آن دانش‌آموزان طبقه پایین محروم هستند. برای کسب صلاحیت آن‌ها باید سرمایه فرهنگی مشروع را با مبادله سرمایه فرهنگی خود (معمولاً طبقه کارگر) به دست آورند. این مبادله یک تبادل مستقیم نیست، به دلیل اخلاق کلاسی دانش‌آموزان طبقه پایین.

اخلاق طبقاتی به‌عنوان تمایلات خاص و انتظارات ذهنی از مدرسه و فرهنگ توصیف می‌شود

این بدان معناست که نه تنها کودکان به دلیل این واقعیت که باید شیوه جدیدی از بودن یا ارتباط با جهان و به‌ویژه شیوه جدیدی برای ارتباط و استفاده از زبان را بیاموزند موفقیت در مدرسه سخت‌تر می‌شوند بلکه باید همچنین برخلاف گرایش و انتظارات آن‌ها عمل کنند انتظارات ذهنی متأثر از ساختارهای عینی موجود در مدرسه بازتولید اجتماعی را با تشویق دانش‌آموزان کم‌برخوردار به حذف خود از سیستم تداوم می‌بخشد به‌طوری‌که با سفر در سطوح سیستم کمتر و کمتری پیدا می‌شود. فرآیند بازتولید اجتماعی کامل نیست اما با این حال تنها تعداد کمی از دانش‌آموزان کم‌برخوردار به موفقیت می‌رسند برای اکثریت این دانش‌آموزان که در مدرسه موفق می‌شوند باید ارزش‌های طبقات غالب را درونی کنند و از آن‌ها به‌عنوان ارزش‌های خود استفاده کنند تا به عادت اولیه و ارزش‌های فرهنگی‌شان آسیب برسانند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تحلیل نهادی آموزش و پرورش

هر جامعه‌ای آموزش و پرورش را نهادی می‌کند و سازمان می‌دهد تا از طریق آن افراد نسل‌های جدید را پرورش دهد و بقاء، دوام اجتماعی و فرهنگی خود را تضمین کند. پرورش اجتماعی و فرهنگی افراد به معنای جذب آن‌ها در گروه‌هاست؛ به طوری که به اعضای فعال جامعه مبدل شوند. پرورش اجتماعی از آن جهت ضروری است که فردی را که به صورت یک ارگانیکس زاده شده، از راه تجربه‌های اجتماعی، به یک فرد انسانی تبدیل می‌سازد. جامعه امروز برای پرورش اجتماعی مردم خود از چند نهادی استفاده می‌کند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از آموزش و پرورش، خانواده و دین. این نهادها جنبه‌های مختلف تربیت افراد جامعه، به ویژه کودکان و جوانان را بر عهده‌دارند. کارکردهای نهاد آموزش و پرورش شامل آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، تلقین ارزش‌ها، کشف و بسط دانش جدید و کاربرد علم و دانش برای حل مسائل، اجتماعی و ارتقای سطح زندگی در جامعه است (علاقه، بند ۱۳۹۳). به طور کلی نهاد آموزش و پرورش به نظام آموزشی جامعه اشاره می‌کند. این نظام مرکب است از آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی خط‌مشی‌ها، تجهیزات و تسهیلات اعضای آموزشی و دانش‌آموزان که به امر تدریس و تحصیل در نظام اشتغال دارند.

آموزش و پرورش و جامعه‌پذیری

یکی از کارکردهای عمومی جامعه‌پذیری آموزش و پرورش اجتماعی کردن افراد جامعه است. در هر جامعه‌ای چه کوچک و چه بزرگ نوعی آموزش و پرورش وجود دارد که ساختار و محتوای آن جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. آموزش و پرورش رسمی به شکل امروزی برای پاسخگویی به نیازها و مشکلات و مسائل روزافزون فرهنگ جامعه شهری صنعتی به وجود آمده است. با انقلاب صنعتی و پیچیده شدن فرهنگ و زندگی اجتماعی تغییرات زیادی در جامع بشری به وجود آمد که مهم‌ترین پیامد این تغییرات در ارتباط با آموزش و پرورش جدایی فعالیت اقتصادی از زندگی خانواده است. با گسترش فزاینده دانش و مهارت‌های متنوع‌تر خانواده برخلاف گذشته به تنهایی نمی‌تواند از عهده وظیفه دشوار پرورش اجتماعی افراد جامعه برآید؛ به این ترتیب آموزش و پرورش رسمی مدرسه‌ای به عنوان یک نهاد اجتماعی مستقل پدید آمد تا کارکرد پرورش اجتماعی را بر عهده گیرد. مدارس از لحاظ انتقال دانش و مهارت‌های فنی به کارگزاران نخستین جامعه‌پذیری مبدل شده‌اند. مدارس به پرورش اخلاقی کودکان نیز توجه خاص دارند؛ منظور از پرورش اخلاقی، انتقال ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی مناسب است. تعریف جامعه‌پذیری به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. به عبارت دیگر اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد دانش‌ها و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. فراگرد اجتماعی شدن امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است از ابتدای زندگی شروع می‌شود و تا آخر عمر ادامه دارد. از دیدگاه فرد، اجتماعی شدن فراگردی است که طی آن فرد به کسب هویت نائل می‌شود و با پذیرفتن ارزش‌ها هنجارها و تحت شرایط مطلوب قادر به شکوفایی استعدادهای بالقوه خود می‌شود؛ بنابراین اجتماعی شدن امری اجتناب‌ناپذیر در امر خودآگاهی و تشکیل هویت است اجتماعی شدن شامل دو فراگرد مکمل است:

۱. انتقال میراث اجتماعی و فرهنگی

۲. رشد شخصیت هدف‌های جامعه‌پذیری هر جامعه‌ای با توجه به شرایط و مقتضیات خود افراد را پرورش می‌دهد (علاقه

بند ۱۳۹۳)

آموزش و پرورش و پرورش سیاسی پرورش سیاسی فراگردی است که فرد از طریق آن جهت‌گیری اساسی سیاسی خود را در محیط جامعه کسب می‌کند. یا به تعریف دیگر پرورش سیاسی فراگردی است که از طریق آن ارزش‌های اجتماعی و سیاسی به نسل بعد منتقل می‌شود و می‌توان به خلاصه تعریف کرد که پرورش سیاسی فراگرد جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی جامعه است. در جامعه امروز پرورش سیاسی به عنوان یک کارکرد آشکار نظام‌های آموزش و پرورش به عنوان یک فراگرد اجتماعی مشروع مورد توجه قرار گرفت و مسئولیت ایجاد آگاهی ملی و وفاق سیاسی به مدارس واگذار شد مطالعات



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پرورش سیاسی کانون‌های اصلی تمرکز موردهای ذیل است: ۱- در مطالعات پرورش سیاسی به‌جای اینکه پیشنهاد شود که افراد جوان جامعه به چه چیزهایی باید ارزش قائل شوند سعی این است که چگونه این باورها و ارزش‌ها حاصل شود ۲- به‌جای تمرکز صرف بر تأثیر آموزش و پرورش رسمی مدرسه‌ای که در مطالعات قدیم مورد توجه بود رویکرد جدید به عوامل اجتماعی افزون‌تری توجه نشان می‌دهد مثل دین - خانواده - کاروشغل - گروه همسالان - و نقش آن‌ها در آشناسازی جوانان با فرهنگ مدنی و سیاسی. این مطالعات عوامل واسطه‌ای دیگری را هم شامل می‌شود مثل شخصیت - هوش - جنسیت - قومیت و طبقه اجتماعی که باعث شده چشم‌انداز گسترده‌ای برای مطالعات عشویت در جامعه سیاسی فراهم گردیده و در ضمن اینکه یادگیری اجتماعی - سیاسی غیر رسمی که می‌تواند اتفاقی برای جوانان پیش بیاید هم مورد تحقیق قرار می‌گیرد نظام سیاسی آلموند تعریف می‌کند که همه نظام‌های مستقل سیاسی جهان یک کنش متقابل دارند که هر جامعه‌ای از طریق این کنش‌ها کارکردهای یگانگی و سازگاری ایجاد می‌کند که با به‌کارگیری تهدید کمتر یا زور بیشتر و اجبار که مشروعیت دارد انجام می‌دهد.

این نظام سیاسی قوای مقننه مجریه و به‌علاوه احزاب دستگاه‌های اداری گروه‌های ذی‌نفع و گروه‌های منزلت را شامل می‌شود که می‌تواند شورش و تظاهرات را به وجود آورد ایستون با رویکرد نظام سیستمی نظام گرا نظام سیاسی را نظامی از کنش متقابل انسانی می‌داند؛ که از طریق آن چیزهای معتبر مثل انواع منابع و انرژی‌ها را در جامعه به‌طور امر کننده و با قدرت به‌منظور اینکه به اهداف معینی برسد اختصاص می‌دهد ویژگی‌های این نظام در مقایسه با نظام‌های دیگر در شش مورد است:

۱- توانایی آن در گرفتن تصمیم‌های نافذی که هم مشروعیت دارند و هم الزام‌آور است ۲- نظام سیاسی نظام حفظ‌کننده نظم در یک جامعه است. ۳- تا زمانی دولت مشروعیت دارد که مردم آن را قبول دارند و به آن احترام می‌گذارند و از آن حمایت می‌کنند. مشروعیت تا زمانی که حتی اگر هم افراد بی‌طرف و مردودی نسبت به‌نظام در جامعه هستند ولی چون بخش قدرتمندی از مردم نظام را قبول دارند آن نظام دوام می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر: مشروعیت نظام تا زمانی است که جمع کثیری از مردم‌باور دارند که نظام سیاسی مناسب است و به آن‌ها تعلق دارد نظام سیاسی زمانی می‌تواند به نقش خود عمل کند و در جامعه تصمیم‌های قابل‌قبول و نافذی بگیرد که در مرحله اجرا نسبت به تصمیماتش مورد سؤال و شک قرار نگیرد. حال اگر نظام سیاسی مشروعیت نداشته باشد و مردم حامی آن نباشند نمی‌تواند دوام بیاورد و دروندادهای او مطالبات و خواسته‌های مردم به شکل عدم‌حمایت از نظام دچار مخاطره می‌شود مثل عدم اطاعت از قوانین و مقررات و در نتیجه تظاهرات و قیام مردم علیه حکومت یا حداقل بخش اجرایی آن. تقاضای شهروندان ۱- تقاضا برای تخصیص انواع خدمات و کالاها ۲- تقاضا برای تنظیم رفتار ۳- تقاضا برای مشارکت در تصمیم‌گیری ۴- تقاضا برای اطلاع بیش‌تر درباره رویدادها به این صورت نظام سیاسی یک مدل درونداد - برون‌داد تصور می‌شود که در ونداد از سوی مردم به درون نظام سیاسی وارد می‌شود و مسئولین این تقاضاها رو به‌صورت قوانین - خط‌مشی آن‌ها را به بیرون نظام سیاسی به محیط برمی‌گردانند تحول نظام‌های سیاسی به رویدادهای خارجی و داخلی به عملکرد نخبگان سیاسی درون نظام بستگی دارد مفهوم نظام سیاسی علاوه بر ساختار سیاسی به فرهنگ سیاسی هم نیز دلالت دارد فرهنگ سیاسی به الگوی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی راجع به امور سیاسی در بین اعضای یک نظام سیاسی اشاره می‌کند. فرهنگ سیاسی زمینه ذهنی کنش‌های سیاسی بوده و به آن‌ها معنا می‌بخشد. نقش آموزش و پرورش در نظم سیاسی تعیین‌کننده آموزش پرورش کار دشواری است بخشی از این دشواری به خاطر فراگرد آموزش و پرورش است که نه‌فقط در یک‌نهاد اجتماعی یعنی مدرسه بلکه عملاً در همه نهادهای اجتماعی، یعنی دین، خانواده گروه همسالان، گروه کار، حزب سیاسی اتفاق می‌افتد به نظر برخی می‌توان درباره آموزش و پرورش به‌عنوان یک نظام اجتماعی اندیشید که جایگاه آن در مدارس است و با سایر نظام‌های اجتماعی یعنی نظام اقتصادی، نظام سیاسی و... کنش‌های متقابلی دارد کارکردهای سیاسی آموزش و پرورش: ۱- جامعه‌پذیری سیاسی جوانان و آشناسازی آنان با فرهنگ سیاسی ۲- گزینش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی ۳- القای فرهنگ سیاسی و ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه ۴- ایجاد زمینه‌ی تشکیل سازمان‌هایی که در جامعه نقش‌های سیاسی ایفا می‌کنند.

تأثیر آموزش و پرورش بر نظام سیاسی دو حالت دارد:

- ۱- خارج از نظام از راه فراهم کردن درونداد حمایت و پشتیبانی برای نظام سیاسی
 - ۲- از داخل نظام به‌عنوان نظام فرعی که برون‌داد یا نتایج آن ممکن است به طرز کار خود نظام سیاسی اثر بگذارد.
- مدرسه مشروعیت اقتدار نظام سیاسی را انتقال می‌دهد به کودکان می‌آموزد که نماد سیاسی کشور خود را بپذیرند و نسبت به اقتدار سیاسی و حکومت وفادار باشند. از این رو هر وقتی که جهت‌گیری‌های مردم موافق با نظام است احتمالاً موجودیت آن حفظ می‌شود و هرگاه عکس این موضوع باشد نظام از هم فرومی‌پاشد یا خود را دگرگون می‌سازد تا بتواند پاسخگوی تقاضاهای جدید باشد آموزش و پرورش می‌تواند به تغییر در نظام سیاسی از طریق کارکرد تربیت اعضای جدید کمک کند مثل گزینش و تربیت رهبران سیاسی که در کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد. مدرسه عامل مهمی در وحدت قومی به شمار می‌آید به‌ویژه برای کشورهایی که تازه به استقلال رسیده‌اند و دارای جمعیت ناهمگون از لحاظ زبان یا قوم می‌باشند و آخرین کارکرد سیاسی آموزش و پرورش رسمی از گروه‌های ذی‌نفع است که این گروه‌ها می‌کوشند تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند مثل انجمن‌های دانشجویی (علاقه بند ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز نهاد آموزش و پرورش بسیار پیچیده شده و از تشکیلات وسیع و عریض و طویلی برخوردار است و دیگر نمی‌توان تنها با یک رویکرد به آن نگریست، باید برای آن برنامه‌ریزی کرد و مشکلات و موانع آن را از میان برداشت تا بدین ترتیب جامعه بتواند به پیشرفت و توسعه پایدار نائل آید از این‌روست که ما در دانشگاه‌های معتبر دنیا با رشته‌ها و گرایش‌های جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جامعه‌شناسی تربیتی روان‌شناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت اقتصاد آموزش و پرورش، سیاست آموزش و پرورش و حتی انسان‌شناسی آموزش و پرورش انسان‌شناسی تربیتی روبه‌رو هستیم که هر یک در تلاش هستند. این دستگاه عظیم و بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی جامعه همچنین در جامعه ما را با پویایی و موفقیت به پیش ببرند؛ اما از سوی دیگر، باید توجه داشت که رابطه جامعه و آموزش و پرورش یک‌طرفه نیست بلکه جامعه برای تداوم حیات خود به مشابهنه افکار، ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای خود نیاز دارد که آموزش و پرورش باید آن را تأمین کند به‌عبارت‌دیگر، آموزش و پرورش از ابتدا شباهت‌های اساسی و همانندی‌های موردنیاز زندگی جمعی را به وجود می‌آورد و در افراد تثبیت می‌کند؛ امری که برای انسجام و انتظام جامعه حیاتی و ضروری است جامعه‌پذیری ایجاد زمینه‌های ارزشی و هنجارهای مشترک و کنترل اجتماعی سازوکارهایی هستند که آموزش و پرورش به‌واسطه آن‌ها انسجام جامعه را سامان می‌دهد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

۱. اسفندیاری ابراهیم. (۱۳۸۱) آموزش و پرورش با رویکرد جامعه‌شناختی انتشارات هم‌بستگی تهران
۲. اصلانی، بهروز (۱۳۸۲) آسیب‌شناسی ایستایی زمان در آموزش و پرورش نقدی بر ناتوانی آموزش و پرورش در تطبیق جامعه با زمان مجله آموزه. شماره ۱۷.
۳. حسینی نسب، داوود و علی، اقدم اصغر (۱۳۷۵) فرهنگ تعلیم و تربیت. چاپ احرار تبریز
۴. رابرتسون یان. (۱۳۷۴) درآمدی بر جامعه ترجمه حسین بهروان انتشارات آستان قدس رضوی مشهد.
۵. شارع پور محمود (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات سمت. تهران.
۶. علاقه بند، علی (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش کتابخانه فروردین. تهران.
۷. قرایی مقدم، امان الله (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش کتابخانه فروردین. تهران.
۸. گولد، جولیوس و کولب ویلیام (۱۳۸۴) فرهنگ علوم اجتماعی ترجمه باقر پرهام انتشارات مازیار تهران
۹. منادی، مرتضی (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش انتشارات آوای نور تهران
۱۰. نلر، جورج (۱۳۸۸) انسان شناسی تربیتی ترجمه محمدرضا آهنچیان و یحیی، قانعی، انتشارات آبیژ تهران